

**REVIEW OF THE RULES OF PROCEDURE OF ORIGIN IN ARTIFICIAL INVESTIGATION AIMED TO IDENTIFY VERDICTS OF THREE-PARENT BABIES<sup>1</sup>**

**Sayyid Reza Jabbar<sup>1</sup>, Sayyid Hassan Abedian Kalkhoran<sup>2</sup>, Alireza Askari<sup>3</sup>**

<sup>1</sup>PhD. Student, Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran.  
jabbari.academic@gmail.com

<sup>2</sup>Assistant Professor, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran (**Corresponding Author**).  
mirhasan<sup>2</sup>@qom.iau.ac.ir

<sup>3</sup>Assistant Professor, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran. mohammad.asgari<sup>3</sup>@gmail.com

**Abstract**

One of the emerging issues in this field that is less than a decade old is the issue of three-Parent Babies, which solved a dangerous genetic defect (mitochondrial defect). Three-Parent Babies come into being through artificial insemination with the genetic modification, which is different from other artificial insemination so far. This has various implications and raises many issues in the field of ethics, jurisprudence and law. One of the most important jurisprudential issues related to this issue is study about its two religious sides: whether it's permissible or not; and its obligatory side. Considering the importance of these two discussions, this article descriptively-analytically deals with the types of artificial insemination, the type considered in the issue of three-parent babies, and its ordinances and effects. After dealing with the issues, due to the different opinions of the Islamic jurists (fuqahā), this paper's final voting is to prefer the approval of that process. But in the obligatory side, it is accepted a detailed position: a minimal sense of that obligatory to all persons involved in that process.

**Keywords:** Three parents. Artificial insemination. Lineage. Maternal Parentage.

---

<sup>1</sup> The present study is taken from the thesis of Seyed Reza Jabbari: REVIEW OF THE RULES OF PROCEDURE OF ORIGIN IN ARTIFICIAL INVESTIGATION AIMED TO IDENTIFY VERDICTS OF THREE-PARENT BABIES.

## بازخوانی ضوابط شرعی نسب در تلقیح مصنوعی با هدف شناسایی احکام اطفال سه‌والدی<sup>۱</sup>

سیدرضا جباری<sup>۱</sup>، سیدحسن عابدیان کلخوران<sup>۲</sup>، علیرضا عسگری<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانش پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم؛ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران. jabbari.academic@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). mirhasan4@qom.iau.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. mohammad.asgari88@gmail.com

### چکیده

اطفال سه‌والدی، محصول نوعی تلقیح مصنوعی هستند که با طرح اصلاح ژنتیکی مورد نظر، با صورت‌هایی که تاکنون در زمینه تلقیح مصنوعی مطرح بوده، متفاوت است. این مسئله پیامدهای مختلفی در پی دارد و پای مباحث بسیاری را در حوزه اخلاق، فقه و حقوق به میان می‌کشد. از جمله مهم‌ترین مسائل فقهی - حقوقی مربوط به این مسئله، بررسی آن از دو جهت تکلیفی و وضعی است. جستار حاضر با در نظر گرفتن اهمیت این دو بحث، به شیوه توصیفی - تحلیلی به انواع تلقیح مصنوعی، نوع مورد نظر در موضوع اطفال سه‌والدی، و احکام و آثار وضعی این موضوع پرداخته است. پس از طرح مسائل مرتبط، از جهت تکلیفی با توجه به اقوال مختلف فقها، در نهایت رأی به جواز این فرایند داده شده است. اما در حکم تکلیفی، قول به تفصیل و احراز نسب به معنای حدائقی در همه صورت‌ها و برای همه افراد دخیل در فرایند برگزیده شده و در مواردی نیز حکم نسب به معنای حداکثری ترجیح داده شده است. مسئله مورد بحث به دلیل نوپیدایی، بررسی بسیار بیشتری نیازمند است. ضعف قانون‌گذاری نیز در این زمینه کاملاً مشهود می‌باشد که نهادهای قانون‌گذار با توجه به ابعاد مختلف فقهی، باید به آن بپردازند و این ضعف را برطرف کنند.

**کلیدواژه‌ها:** طفل سه‌والدی، تلقیح مصنوعی، نسب پدری، نسب مادری.

<sup>۱</sup> پژوهش حاضر برگرفته از رساله دکتری سید رضا جباری با عنوان: «بازخوانی ضوابط شرعی نسب در تلقیح مصنوعی با هدف شناسایی احکام اطفال سه‌والدی» است.

## مقدمه

از جمله پیشرفت‌های قابل توجه در علوم پزشکی-آزمایشگاهی و به ویژه علم ژنتیک، تحولاتی است که برای درمان ناباروری رخ داده است و هم‌اکنون بسیاری از زوج‌های نابارور، به لطف این پیشرفت‌ها می‌توانند صاحب فرزند شوند. با این حال، هنوز هم بسیاری از مسائل حل نشده موضوع بحث و بررسی است و اهل نظر چه در حوزه‌ی پزشکی و ژنتیک و چه در سایر حوزه‌ها برای حل آن‌ها می‌کوشند.

امروزه غالب درمان‌ها در زمینه‌ی ناباروری به روش تلقیح مصنوعی انجام می‌شود که خود دارای شیوه‌های گوناگون است. استفاده از روش مزبور، مسائل مختلفی را در حوزه‌های فقهی و حقوقی مطرح ساخته که مسئله‌ی نسب از جمله مهم‌ترین آن‌هاست. هدف، مسئله‌ی اصلی و روش تحقیق حاضر به قرار زیر است:

هدف عبارت است از مشخص کردن احکام شرعی مربوط به وضعیت اطفال سه‌والدی و مسئله‌ی اصلی این است که حکم تکلیفی و وضعی اطفال مزبور چیست؟ روشی هم که در این تحقیق اتخاذ گردید، روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد که با استفاده از داده‌های مختلفی که از فضای واقعی و سایر جمع‌آوری گردید، انجام گرفت.

## ۱. مفاهیم کلی

مفاهیم اصلی بحث موردنظر این جستار عبارتند از: طفل سه‌والدی، تلقیح مصنوعی و انواع آن و نسب.

### ۱-۱. طفل سه‌والدی<sup>۱</sup>

طفل سه‌والدی، مولودی انسانی است که از مواد ژنتیک یک مرد و دو زن با به‌کارگیری فناوری‌های باروری اصلاح‌شده به ویژه فناوری‌های دستکاری (یا جایگزینی) میتوکندریایی و سه شخص دخیل در باروری آزمایشگاهی به وجود آمده است (Falco, ۲۰۱۲, P۷۶). به طور کلی، فناوری‌های باروری به‌کار رفته در مولودهای سه‌والدی، بر جایگزینی یا کاهش آثار جهش‌هایی متمرکزاند که در دی. این. ای<sup>۲</sup> اندامک‌های سلولی معروف به میتوکندری رخ می‌دهند؛ این اندامک‌های سلولی در سیتوپلاسم سلول قرار دارند (Falco, ۲۰۱۲, P۷۶). بنابراین، مولود سه‌والدی در واقع محصول دو فرایند است:

۱. دستکاری میتوکندریایی که اصلاح نوعی نقص یا عارضه‌ی ژنتیک است و با این اصلاح، تخمک بارور شده به جنینی بدون این عارضه تبدیل می‌شود و کودک حاصل از این فرایند از نقیصه و آثار مرگبار آن در امان خواهد بود.

۲. باروری آزمایشگاهی که در آن تخمک زن با اسپرم مرد در محیط آزمایشگاهی بارور می‌شود و سپس در رحم قرار داده می‌شود تا مراحل دیگر شکل‌گیری و رشد جنین طی شود.

بر این اساس، اجمالاً باید به سه سؤال پاسخ داد:

الف. میتوکندری یکی از اندامک‌های سلولی است که وظیفه‌ی آن تنفس سلولی و نوعی اندامک انتقال انرژی است. DNA میتوکندری، تابع توارث مادری است و میتوکندری‌های اسپرمی یا وارد تخمک نمی‌شوند و یا پس از تلقیح در داخل تخمک از

<sup>۱</sup> Three-Parent Baby / Tri-parent baby

<sup>۲</sup> DNA

بین می‌روند (فخرز و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۶۶). به همین ترتیب، نقص این اندامک که باعث بیماری‌هایی موسوم به بیماری‌های میتوکندریایی می‌شود، صرفاً از طریق سلول‌های تخمک مادر منتقل می‌شود (Liao, 2017, P20).

ب. رفع این نقص ژنتیکی با جایگزینی میتوکندری معیوب تخمک مادر با میتوکندری یک تخمک سالم، قبل یا بعد از باروری تخمک مادر در محیط آزمایشگاهی انجام می‌شود که این فرایند «فناوری جایگزینی میتوکندری» نامیده می‌شود (Liao, 2017, P 20).

ج. مرحله‌ی نهایی این شیوه‌ی باروری، کاشت تخمک بارور شده در رحم مادر و طی شدن فرایند رشد است. با توجه به اصلاح صورت گرفته در مرحله‌ی جایگزینی، جنین و در نهایت طفل حاصل شده از این فرایند، از بیماری‌های مرتبط با میتوکندری معیوب در امان خواهد بود. بنابراین شیوه‌ی باروری بر پایه‌ی تلقیح خارج‌رحمی<sup>۱</sup> است که توضیح آن در ادامه خواهد آمد. فرایند اصلاح و دستکاری میتوکندریایی باعث می‌شود کودک علاوه بر ژن‌های پدر و مادر اصلی، حدود ۱ تا ۲ درصد از ژن‌های تخمک اهدایی شخص ثالث را به ارث ببرد؛ چراکه میتوکندری شامل ۳۷ ژنوم (در مقابل ۲۵-۳۰ هزار ژنوم) است (Ravitsky & et.al., 2015, P57). بر همین اساس، کودک حاصل از این فرایند، «طفل سه‌والدی» نامیده می‌شود.

## ۱-۲. تلقیح مصنوعی

لقاح به معنی باردار شدن و تلقیح به معنی باردار کردن است (حسینی زبیدی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۹۲). بارداری در حالت طبیعی بر اثر آمیزش مرد و زن رخ می‌دهد؛ اما امروزه در پی پیشرفت‌هایی که در علوم پزشکی رخ داده، روش‌هایی برای باروری به کار می‌رود که براساس شیوه‌ی طبیعی نیست. این روش‌ها همگی ذیل عنوان «تلقیح مصنوعی» قرار می‌گیرند. در ادبیات حقوقی در مورد تعریف اصطلاح تلقیح مصنوعی، تعاریف مختلفی می‌یابیم؛ از جمله: «لقاح مصنوعی عبارت است از قرار دادن نطفه‌ی مرد در رحم زن، بدون آنکه بین آنان نزدیکی واقع شود؛ چنان‌که کسی با آلات مخصوص، نطفه‌ی مردی را در رحم زنی قرار دهد» (امامی، ۱۳۵۰، ج ۳، ص ۲۱۴). به عبارت دیگر، «تلقیح مصنوعی در اصطلاح این است که زن را با وسایل مصنوعی و بدون اینکه نزدیکی صورت گیرد، آبستن کنند و به تعبیر دیگر، اسپرماتوزوئید را با وسایل پزشکی وارد رحم زن کرده، از این راه او را باردار نمایند» (صفایی و امامی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۹۹).

عمل تلقیح مصنوعی از جهات مختلفی قابل تقسیم است:

۱. از جهت صاحب اسپرم و تخمک

۲. از جهت داخل یا خارج رحم بودن.

از جهت اول، دو صورت کلی برای تلقیح مصنوعی وجود دارد:

الف. تلقیح مصنوعی اسپرم شوهر با تخمک همسر او یا تلقیح مصنوعی همگون یا همولوگ.<sup>۲</sup>

ب. ترکیب میان اسپرم و تخمک زن و مرد بیگانه یا تلقیح مصنوعی ناهمگون یا هتروولوگ.<sup>۳</sup> از جهت دوم نیز دو گونه‌ی کلی قابل طرح است:

الف. تلقیح داخل‌رحمی<sup>۴</sup>

ب. تلقیح خارج‌رحمی.<sup>۵</sup> تلقیح داخل‌رحمی به معنی تلقیح از طریق وارد کردن اسپرم به داخل رحم، بدون آمیزش طبیعی است.

<sup>۱</sup> Mitochondrial Replacement Techniques MRT

<sup>۲</sup> IVF

<sup>۳</sup> Artificial Insemination with Husband's semen (AIH).

<sup>۴</sup> Artificial Insemination with Donor's semen (AID).

<sup>۵</sup> Intra Uterine Insemination (IUI).

<sup>۶</sup> In Vitro Fertilization (IVF).

استفاده از این روش هنگامی است که زن بارور، اما شوهر نابارور باشد (جعفرزاده، ۱۳۷۵، ص ۵۶). تلقیح خارج رحمی به معنی «باروری در آزمایشگاه» است. در تلقیح خارج رحمی، لقاح ساده‌ی تخمک زن با اسپرم مرد در آزمایشگاه انجام می‌شود و پس از لقاح، تخمک بارور شده از طریق گردن رحم (سرویکس) به درون رحم زن وارد می‌شود. از جمله موارد تلقیح خارج رحمی، ICSI<sup>۱</sup> است که به معنی تزریق اسپرم به داخل سیتوپلاسم تخمک می‌باشد. در این روش، تخمک تنها با یک اسپرم مرد در ظرفی در آزمایشگاه ترکیب می‌شود. بعد از باروری، تخمک بارور شده در رحم زن قرار داده می‌شود.

با نظر به سه رکن اصلی لقاح و پرورش جنین (اسپرم، تخمک و رحم)، در طفل حاصل از تلقیح مصنوعی، ۱۲ صورت می‌توان فرض کرد که هر یک از آن‌ها را باید از جهت فقهی-حقوقی بررسی کرد و حکم تکلیفی و وضعی آن‌ها را مشخص کرد. این ۱۲ صورت بدین قرار است:

تلقیح مصنوعی تخمک یا بدون دستکاری ژنتیکی صورت می‌گیرد (نوع الف) یا با دستکاری ژنتیکی (نوع ب).

در صورت (الف)، تلقیح یا با اسپرم شوهر صورت می‌گیرد (صورت اول الف) یا با اسپرم بیگانه (صورت دوم الف)؛

در صورت اول الف، یا تلقیح داخل رحم است (۱) یا خارج رحم که در این حالت یا حمل در رحم مادر صورت می‌گیرد (۲) یا در رحم بیگانه (۳).

در صورت دوم الف، یا تلقیح داخل رحم است (۴) یا خارج رحم که در این حالت یا حمل در رحم مادر صورت می‌گیرد (۵) یا در رحم بیگانه (۶).

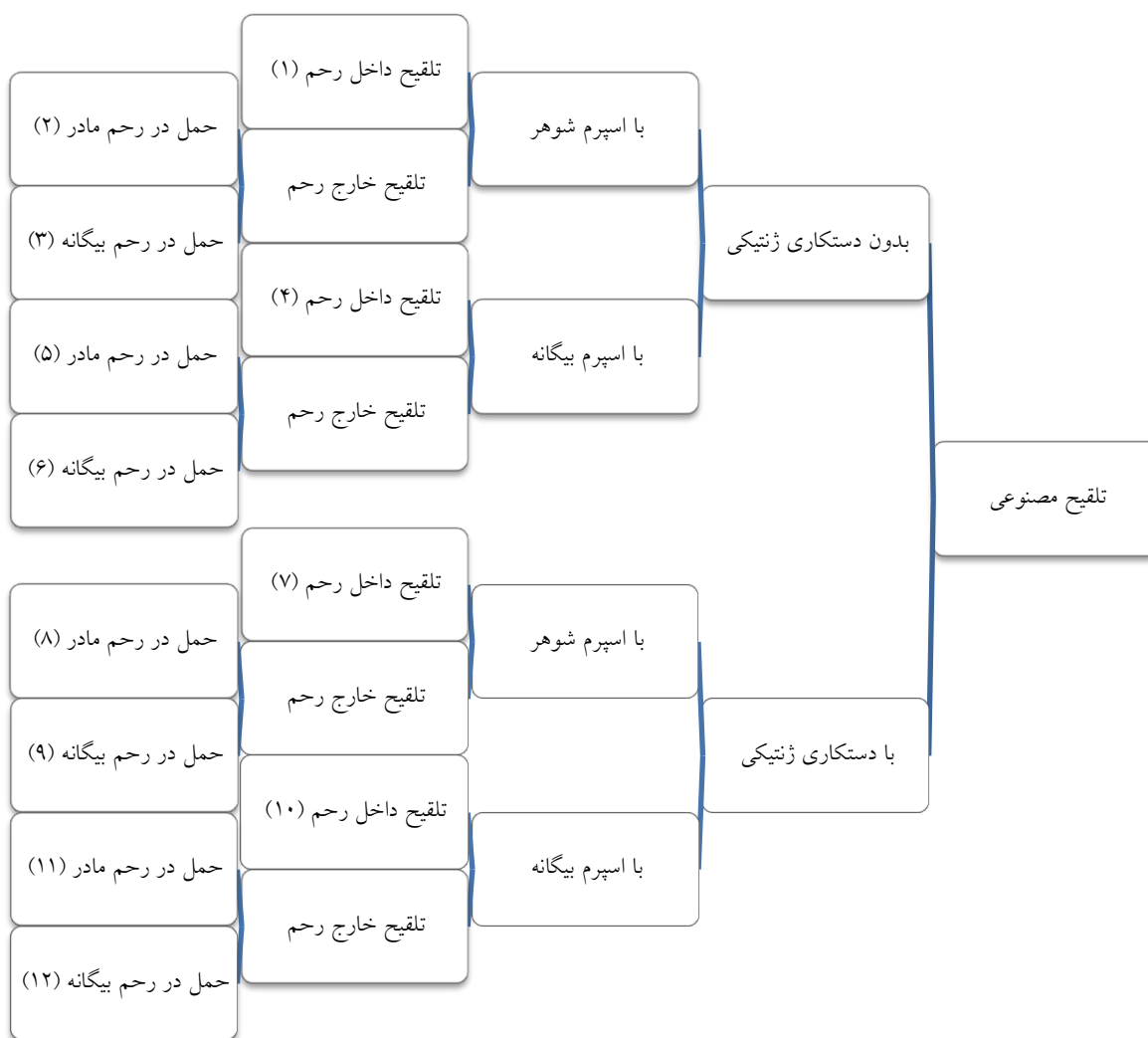
در صورت (ب)، تلقیح یا با اسپرم شوهر است (صورت اول ب) یا با اسپرم بیگانه (صورت دوم ب)؛

در صورت اول ب، یا تلقیح داخل رحم است (۷) یا خارج رحم که در این حالت یا حمل در رحم مادر صورت می‌گیرد (۸) یا در رحم بیگانه (۹).

در صورت دوم ب، یا تلقیح داخل رحم است (۱۰) یا خارج رحم که در این حالت یا حمل در رحم مادر صورت می‌گیرد (۱۱) یا در رحم بیگانه (۱۲).

---

۱. Intra cytoplasmic sperm Injection.



شکل شماره ۱: صورت‌های تلقیح مصنوعی

البته موارد دیگری نیز مطرح است که پاره‌ای از آنها در نهایت، با موارد ذکر شده مطابقت پیدا می‌کنند. از آنجا که موضوع بحث این جستار، تلقیح مصنوعی همراه با دستکاری ژنتیکی است، از این رو صورت‌های (۱)، (۲)، (۳)، (۴)، (۵) و (۶) در اینجا مدنظر نیست. علاوه بر این، چون تلقیح مورد بحث در اطفال سه‌والدی از نوع خارج‌رحمی<sup>۱</sup> است، صورت‌های (۷) و (۱۰) نیز موضوع بحث نیستند. در نتیجه، صورت‌های مورد بحث، موارد (۸)، (۹)، (۱۱) و (۱۲) است؛ مواردی که تلقیح تخمک با دستکاری ژنتیکی و خارج رحم با اسپرم شوهر یا با اسپرم بیگانه باشد، خواه حمل در رحم مادر صورت بگیرد یا در رحم بیگانه (رحم اجاره‌ای).

<sup>۱</sup> IVF

## ۲. حکم تکلیفی

در حکم تکلیفی تلقیح مصنوعی، سه نظریه قابل طرح است که هر یک از آن‌ها طرفدارانی دارند.

### ۲-۱. جواز مطلق

بنا به این نظر، اگر تلقیح مصنوعی مستلزم ارتکاب فعل حرام نباشد، جایز است. از جمله قائلان این نظریه حضرات آیات سیدعلی خامنه‌ای، سیدحسین طباطبایی قمی، محمد یزدی و سیدمحمد موسوی بجنوردی هستند. در استفتائات آیت‌الله خامنه‌ای در مورد تلقیح مصنوعی می‌خوانیم: «عمل مذکور فی نفسه اشکال ندارد، ولی واجب است از مقدمات حرام مانند لمس و نظر اجتناب شود» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳، سوال ۱۲۷۲).

بنابراین آنچه می‌تواند باعث حرمت تلقیح مصنوعی شود، ارتکاب مقدمات حرام است؛ اما نفس این عمل بدون فعل حرام - که امکان آن امروزه فراهم است - جایز خواهد بود.

### ۲-۲. منع مطلق

بنا به این نظریه، هیچ‌یک از اقسام دوازده‌گانه‌ی تلقیح جایز نیست. طرفداران منع مطلق، کسانی همچون آیت‌الله میلانی هستند. این گروه از فقها معترفند که اگرچه این نوع باروری ذاتاً حرام نیست، اما به دلیل اینکه استلزامات و آثار و عوارض زیانبار دارند، حرام هستند (مغنیه، ۱۹۶۰م، ص ۳۷۳).

### ۲-۳. قول به تفصیل

می‌توان جواز یا منع را به تفصیل قائل شد که البته انواع سه‌گانه‌ای در آن قابل طرح است:

(الف) جواز مطلق بین زوجین و جواز مشروط بین بیگانگان

بنا به نظر این گروه، تلقیح مصنوعی اگر میان زوجین باشد (AIH)، چه داخل‌رحمی (IUI) چه خارج‌رحمی (IVF)، جایز است. از نظر ایشان، اگر تلقیح بین دو بیگانه و به طریق داخل‌رحمی (IUI) باشد، حرام است؛ اما در صورتی که تلقیح به شیوه‌ی خارج‌رحمی (IVF) باشد، برای مقاصدی غیر از تولیدمثل مثلاً شبیه‌سازی عضو، جایز است؛ اما برای تولید نسل انسانی جایز نیست. آیت‌الله محمد مؤمن قمی و آیت‌الله محسن حرم‌پناه‌یاز این گروه هستند (میرهاشمی، ۱۳۸۳، ص ۹۵). استدلال این گروه این است که تلقیح به شیوه‌ی داخل‌رحمی به دلیل روایت‌های خاص قرار دادن نطفه‌ی بیگانه در رحم بیگانه، حرام است؛ اما نسبت به ترکیب اسپرم و تخمک دو بیگانه در خارج از رحم، دلیلی بر منع یافت نمی‌شود؛ پس اصل آن جایز است (میرهاشمی، ۱۳۸۳، ص ۹۵).

ب. جواز مطلق بین زوجین و منع مطلق آن بین بیگانگان

از منظر این گروه آنچه ملاک جواز یا منع قرار می‌گیرد، ترکیب اسپرم و تخمک زوجین یا دخالت عامل بیگانه است و شیوه‌های به‌کارگیری، هیچ‌گونه تأثیری در حلیت یا حرمت اصل موضوع ندارد. از این گروه می‌توان از امام خمینی و حضرات آیات منتظری، خویی و بسیاری از فقهای معاصر نام برد (میرهاشمی، ۱۳۸۳، ص ۹۶).

ج. جواز بین زوجین در صورت عدم دخالت هیچ عامل بیگانه و وجود عسر و حرج شدید؛ و حرمت مطلق در سایر صورت‌ها

این گروه تنها در صورتی تلقیح مصنوعی را جایز می‌دانند که باروری به این شیوه، تنها بین زوجین باشد و ضرورت و عسر و حرج شدید در میان باشد و باروری هم به شیوه‌ی داخل‌رحمی (IUI) صورت بگیرد. دلیل این گروه همان دلایل گروه دوم است، با این تفاوت که می‌گویند به دلیل قواعد، محظورات در صورت وجود ضرورت، مشروع می‌شوند. شاید بتوان آیت‌الله بروجردی را در این گروه طبقه‌بندی کرد؛ چون حتی تلقیح منی زوج به زوجه را محل تأمل و اشکال می‌دانند. بر این اساس، ترک احتیاط تنها در صورت ضرورت و حرج شدید، بدون محذور خواهد بود (میرهاشمی، ۱۳۸۳، ص ۹۶).

### ۳. نسب و ماهیت آن

نسب در لغت عرب، به معنی قرابت، اصل، نژاد و خویشاوندی (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۷۱) و علاقه و رابطه‌ی بین دو شیء (انسان) به کار می‌رود: «ایقاع التعلق و الارتباط بین الشیئین» (معلوف، ۱۹۷۳م، ص ۸۰۳). در فارسی نیز به تبع همین معنا، آن را به معنی قرابت، خویشی و خویشاوندی (عمید، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰۶) و وابستگی و ارتباط دو شیء گرفته‌اند (گرچی، ۱۳۸۷، ص ۴۰۳). به تعبیر بعضی از دانشوران، در زبان فارسی، نسب را در مورد نژاد و اصل و خویشاوندی به کار می‌برند (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۲۶)؛ رابطه‌ی خویشاوندی‌ای که از راه خون، بین دو یا چند شخص برقرار می‌شود.

باب اول کتاب هشتم قانون مدنی ایران به احکام مربوط به نسب می‌پردازد، اما تعریف صریحی از ماهیت نسب در این قانون به چشم نمی‌خورد؛ از این رو، فقها و حقوقدانان به منظور شناسایی ماهیت حقوقی نسب، تعاریف مختلفی به دست داده‌اند. صاحب جواهر، نسب را چنین تعریف کرده است:

«النسب و هو الاتصال بالولادة بانتهاء احدهما الی الآخر او بانتهائهما الی ثالث» (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۹، ص ۲۳۸)؛ ترجمه: «رسیدن ولادت شخصی به دیگری مانند پدر و پسر، یا رسیدن ولادت دو شخص به شخص ثالث مانند دو برادر از یک پدر».

تعریف فوق، اتصال در ولادت را منشأ اعتبار نسب گرفته، اما حقیقت نسب امری است که از آن منشأ منتزع می‌شود؛ از این رو، این تعریف میان دو امر خلط کرده است؛ میان امر اعتباری و منشأ امر اعتباری. در اصطلاح حقوقی، نسب را رابطه‌ی خویشاوندی بین دو نفری دانسته‌اند که «یکی از نسل دیگری یا هر دو از نسل شخص ثالثی باشند و به طور کلی، منتهی شدن دو نفر به منشأ واحد» (محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۶۳). به بیان مؤلف حقوق مدنی، نسب «به واسطه‌ی انعقاد نطفه از نزدیکی زن و مرد به وجود می‌آید و از این امر، رابطه‌ی طبیعی خونی بین طفل و آن دو نفر که یکی پدر و دیگری مادر باشد، موجود می‌گردد» (امامی، ۱۳۵۰، ج ۵، ص ۱۵۱).

در اصطلاح حقوقی، با دو مفهوم نسب سر و کار داریم: نسب به معنای عام و نسب به معنای خاص. قسم نخست، عُلقه و رابطه‌ی خونی و حقوقی بین دو نفری است که در اثر تولد یکی از آنها از دیگری یا تولد هر دو از شخص ثالث، به وجود آمده باشد؛ برای این معنا اصطلاح «قرابت نسبی» را به کار می‌بریم. اما نسب به معنای خاص، عُلقه و رابطه‌ی خونی و حقوقی بین دو نفری است که بر اثر تولد یکی از آن دو، از صلب یا بطن نفر دوم، به وجود آمده باشد؛ برای این معنا از اصطلاح «نسب» استفاده می‌کنیم. قرابت نسبی هم دو گونه است: اگر بر اثر ولادت و حصول یک نفر از نفر دیگر، قرابتی حاصل شود، «نسب در خط مستقیم» گفته می‌شود. اما اگر قرابت بر اثر ولادت و حصول دو یا چند نفر از نفر ثالث حاصل شود، به آن «نسب به خط اطراف» گفته می‌شود؛ این قرابت نسبی بین دو یا چند نفری است که منشأ آن، ولادت از فرد ثالث است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ص ۷۱۱). در این تقسیم‌بندی به معنای عامی از نسب نظر شده است. اما نسب به معنای خاص، همان رابطه‌ی پدرفرزند یا مادرفرزند است. این رابطه، رابطه‌ای است که به شکل طبیعی و خونی میان آن دو نفر برقرار شده است و منشأ آن این بوده که یکی از دو طرف رابطه، مستقیماً و بی‌آنکه واسطه‌ای در میان باشد، از صلب (نطفه) یا بطن (تخمک و رحم) طرف دیگر حاصل شده است (صفایی و امامی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۷).

با این حال، این تعریف‌ها، حقیقت و ماهیت نسب را به دقت بیان نکرده‌اند. در ماهیت نسب این سؤال مطرح است که آیا رابطه‌ی نسب، یک رابطه‌ی اعتباری و قراردادی است یا یک امر تکوینی و واقعی؟

در مجموع، چهار نظریه می‌توان درباره‌ی حقیقت و ماهیت نسب بیان کرد:

الف. نظریه‌ی اول: نسب، حقیقت شرعیه‌ای باشد که قانون یا شرع باید آن را جعل کرده باشد که در این صورت، نسبی مشروع و قانونی است که قانون‌گذار آن را مشروع و قانونی دانسته باشد (صفار، ۱۳۸۳، ص ۲۴۳).



ب. نظریه‌ی دوم: نسب، یک امر واقعی، طبیعی و تکوینی باشد. رابطه‌ی طبیعی و تکوینی از طریق ژنتیک و یا انتقال اجزای سلولی و ژنتیکی یک شخص به دیگری تحقق می‌یابد، خواه روش انتقال این اجزا مشروع باشد یا خیر (شهیدی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۴).

ج. نظریه‌ی سوم: نسب، یک حقیقت عرفیه باشد. در صورتی که عرف، رابطه و نسبی را به رسمیت بشناسد، قانون نیز باید همان رابطه و نسب را بپذیرد. نظام حقوقی اسلام، نسب خونی عرف قبل از اسلام را به رسمیت شناخت و در نتیجه، آن را تنفیذ کرد (شهیدی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۴).

د. نظریه‌ی چهارم: نسب، صرفاً یک رابطه‌ی اعتباری باشد و چنین رابطه‌ای از راه قانون یا عرف یا اراده‌ی طرفین آن رابطه، تحقق یابد؛ خواه بین دو طرف رابطه‌ی خونی و ژنتیکی برقرار باشد یا خیر (طاهرخانی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۱).  
بنابر آنچه از حقوق موضوعه‌ی ایران استفاده می‌شود، نظریه‌ی مقبول، به دیدگاه حقیقت شرعیه نزدیک‌تر است. البته از برخی متون حقوقی و نیز در نظریات برخی از فقها، واقعی و طبیعی بودن نسب (نظریه‌ی دوم) و توجه به عرف (نظریه‌ی سوم) نیز تا حدودی استفاده می‌شود.

در این جستار، نسب به معنای خاص مدنظر است، نه معنای عام آن؛ یعنی این جستار در پی آن است که آیا بین صاحبان نطفه، تخمک و تخمک فرعی اهدایی و طفل حاصل، رابطه‌ی نسب برقرار می‌شود و اگر این رابطه برقرار می‌شود، چه پیامدهایی برای طرفین این رابطه خواهد داشت؟

#### ۴. معیارها در تعیین نسب

دو بحث اساسی در نسب مطرح است: اینکه ملاک یا به تعبیری عامل تحقق نسب چیست و دوم اینکه تحقق نسب چه آثار و پیامدهایی دارد؟

##### ۴-۱. عوامل تعیین نسب

برای کودکان آزمایشگاهی نیز نسب از اولین و مهم‌ترین حقوق است؛ به تعبیر دقیق‌تر، حقوق مترتب بر اثبات نسب، از حقوق اساسی کودک است، خواه از طریق طبیعی و متعارف شکل گرفته باشد و خواه از طریق غیرطبیعی.  
در عرف اجتماعات پیش از اسلام، آنچه منشأ اصلی انتساب یک طفل به مرد و زنی می‌شد، همان دخالتی بود که آنان در شکل‌گیری طفل داشتند. امروزه نیز در عرف عمومی، نسب همین منشأ را دارد. اسلام با وضع مقرراتی که برای اطلاق این مفهوم بر مصادیق مفروض، مقرر کرد، عرف عمومی جامعه‌ی پیش از ظهور اسلام را به صورت مقید پذیرفت.  
به طور کلی، عوامل تحقق نسب را با توجه به مرد و زن دخیل در انعقاد، می‌توان به «نسب پدری» و «نسب مادری» تقسیم کرد:

##### ۴-۲. تعیین نسب پدری

از میان ارکان سه‌گانه‌ی لقاح و شکل‌گیری طفل، فقط یک رکن از آن مرد است (نطفه یا همان اسپرم). بنابراین اگر بنا باشد نسبتی میان طفل با او برقرار باشد، از همین طریق خواهد بود. در نظامات حقوقی دیگر، عامل نسب پدری، به اسپرم منحصر نیست؛ اما در شرع اسلام، منشأ دیگری جز اسپرم برای جانب پدری قابل طرح نیست، چنان‌که آیاتی از قرآن کریم بر این مطلب دلالت دارد؛ از جمله: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا» (فرقان، ۵۴)، که منشأ خویشاوندی نسبی را نطفه‌ی انسان معرفی کرده است؛ «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ» (انسان، ۲)، در این آیه «نطفه‌ی امشاج» به معنی منشأ انسان، نطفه‌ی مخلوط از اسپرم و تخمک است؛ «ثُمَّ جَعَلْ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَّهِينٍ» (سجده، ۸)، این آیه نیز به تکوین انسان از آبی پست اشاره کرده که همان نطفه است.

روایاتی هم بر این مطلب دلالت دارد، از جمله روایت محمد بن مسلم از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره‌ی زنی که پس از مجامعت با شوهرش، با دختری باکره مساحقه می‌کند و نطفه‌ی شوهر او باعث حمل دختر مزبور می‌شود. در روایت از بیان امام حسن(ع) آمده که طفل به صاحب نطفه تحویل داده می‌شود (حرّعاملی، ۱۴۲۴ق، ج ۲۸، ص ۱۶۸).

بر این اساس، اکثر قریب به اتفاق فقها، طفل را منتسب به صاحب اسپرم می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۷۱ و ۶۲۲؛ خویی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۳۲۰؛ روحانی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۳۳؛ سند، ۱۳۸۱، ص ۱۹۱). البته بعضی از فقها اسپرم را شرط لازم تحقق نسب می‌دانند، اما آن را شرط کافی نمی‌دانند و جهات دیگری را نیز مطرح می‌کنند. از دید این دسته از فقها، نزدیکی مشروع نیز لازمه‌ی تحقق نسب است. بنابراین اگر آمیزش جنسی زن و مردی مشروع نباشد، اما رابطه‌ی جنسی میان آن‌ها رخ دهد و اسپرم مرد از طریق متعارف آمیزش، به زن منتقل شود، میان آن‌ها و طفل حاصل نسبتی برقرار نمی‌شود. همچنین اگر ارتباط میان زن و مرد مشروع باشد، اما اسپرم از طریق نامتعارف به رحم زن منتقل شود، باز هم نسب برقرار نمی‌شود.

برخی از مواد قانون مدنی ایران (مواد ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰ و ۱۱۶۵) نیز از فتاوی‌ی مشهور فقهای امامیه، تبعیت و از کلمه‌ی نزدیکی استفاده کرده‌اند. از آنجا که این مواد در کتاب هشتم قانون مدنی تحت عنوان «نسب» طرح شده‌اند، این سؤال مطرح است که آیا برای تحقق نسب، از نظر قانون‌گذار، نزدیکی بین زن و مرد ضروری است؟

در پاسخ، گفته شده است که «اولاً کلمه‌ی نزدیکی به عنوان فرد شایع و مصداق معمول بیان شده و قانون‌گذار در مقام بیان این نکته نبوده که ایجاد نسب منحصر به آمیزش و نزدیکی است. ثانیاً در مواردی که تفخیز یا مساحقه سبب پیدایش اولاد شود، شرع، حکم به نسب داده و طفل مولود را به صاحب نطفه ملحق می‌کند، مگر آنکه رابطه نامشروع (زنا) باشد که نص بر قطع نسب داریم» (صفار، ۱۳۸۳، ص ۲۴۸-۲۴۹) و طفل متولد از زنا، به زانی منتسب نمی‌شود (ماده ۱۱۶۷ ق.م.؛ نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۱۰، ص ۴۹۴). بنابراین نسب مشروع و قانونی در این مورد تحقق نمی‌یابد؛ چون برای آنکه نسبی میان مرد و طفل برقرار شود، باید نزدیکی و رابطه‌ی جنسی زن و مرد، مشروع و مورد تأیید شارع باشد.

اما این نظریه در مورد تحقق نسب، محل اتفاق همه‌ی فقها نیست. بسیاری از فقها بر آنند که کودک حاصل از رابطه‌ی نامشروع نیز به صاحبان نطفه و به زن و مرد زناکار منتسب می‌شود و رابطه‌ی نسبی میان آنان و طفل حاصل، برقرار می‌شود؛ اما چون نص خاصی داریم که در چنین موردی، توارث را (یکی از آثار نسب) منع کرده، این مورد از آثار نسب، شامل حال نسب واقع شده نمی‌شود و رابطه‌ی توارث برقرار نخواهد شد؛ چنان که در مورد فرزندی که قاتل پدر است نیز رابطه‌ی نسبی و مقتضای توارث برقرار است؛ اما نص خاص، این مورد از آثار نسب را منع کرده است. بنابراین نزدیکی مشروع، شرط تحقق نسب نیست، بلکه شرط تحقق توارث است (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۴۴). زنا نیز باعث تحقق نسب می‌شود و سایر آثار نسب به غیر از توارث، از جمله نفقه، حضانت، حرمت نکاح و غیر آنها بین دو طرف برقرار می‌شود (صفار، ۱۳۸۳، ص ۲۵۱). مطابق رأی وحدت رویه‌ی شماره ۶۱۷-۱۳۷۶/۴/۳ دیوان عالی کشور، پدر طبیعی و نامشروع طفل، مکلف به اخذ شناسنامه برای طفل است. نظر مشورتی دیوان عالی کشور ذیل ماده ۱۱۶۷ به شماره ۷/۹۰۷۸ مورخ ۶۷/۸/۳ نیز مقرر می‌کند که فقط توارث و ولایت طفل حاصل از زنا از شمول آثار نسب برقرار شده، بیرون است. بنابر این رأی، در انتساب طفل به پدر طبیعی و نامشروع، شکی نیست. بنابراین صرف نطفه - اگرچه از طریق نامشروع باشد - باعث ایجاد نسب می‌شود، مگر در پاره‌ای از آثار مترتب بر آن.

### ۳-۴. تعیین نسب مادری

پیش از این گفته شد که نسب، یک اعتبار نفس‌الامری با منشأ واقعی و حقیقی است؛ اما منشأ نسب مادری کدام یک از آن دو رکن (تخمک و رحم) است؟

در چگونگی انتساب فرزند به مادر، چهار نظریه قابل طرح است:

(۱) تخمک و تکون؛

(۲) رحم و ولادت؛

(۳) هر دو عامل تخمک و رحم با هم؛

(۴) هر یک از دو عامل تخمک و رحم.

بنابر نظریه‌ی (۱)، مادر صاحب تخمک است. قائلان این نظریه بر آنند که چون «ام» در لغت به معنای «اصل کل شیء و عماده» است و سبب اطلاق آن به زنی که کودک را به دنیا می‌آورد، این است که اصل جنین از اوست، مادر همان کسی است که اصل پیدایش طفل از اوست. در نظر این گروه، ملاک مادر بودن از دیدگاه عرف، همچون معیاری است که عرف در پدر بودن لحاظ می‌کند. به همین جهت، بین زنی که طفل بی‌آنکه از تخمک او باشد اما در رحم او رشد پیدا کرده (صاحب رحم اجاره‌ای) و خود طفل، نسب قانونی برقرار نخواهد شد؛ چون تخمک او دخالتی نداشته است. امام خمینی در زمینه‌ی رحم اجاره‌ای می‌گویند: «... بلی اگر ثابت شود که نطفه‌ی زوجین منشأ طفل است، ظاهراً باید طفل را ملحق به زوجین نمود» (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۲۳). بنابراین ملاک تخمک (یا به بیان ایشان، نطفه‌ی همسر) است.

قائلان این نظریه به آیاتی از قرآن کریم نیز استناد کرده‌اند، از جمله آیه‌ی «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ» (انسان/۲). برخی از حقوقدانان در ادله‌ی خود، به مقررات فقهی و قانونی مربوط به گیاه استناد می‌کنند (مهرپور، ۱۳۷۶، ص ۱۸۴-۱۸۵)؛ مثل ماده‌ی ۳۳ قانون مدنی که درخت و محصول را مال صاحب اصله یا حبه می‌داند. بر همین اساس، مادر ژنتیکی (صاحب تخمک)، مادر قانونی طفل دانسته می‌شود و نسب مادری بین او و طفل برقرار می‌شود، نه صاحب رحم اجاره‌ای.

بنا به نظریه‌ی (۲) «اساساً در زمان نزول آیات و صدور روایات، مردم به اطلاعات جدید پزشکی که کودک، حاصل لقاح اسپرم و تخمک است، آگاهی نداشتند و رحم زن را ظرف رشد جنین می‌پنداشتند و با وجود این، زن صاحب رحم را مادر می‌دانستند». این نشان می‌دهد که مبنای داوری آن‌ها زاییدن بوده است (محقق داماد، ۱۳۷۵، ص ۲). این گروه برای تأیید نظر خود به چند آیه استدلال می‌کنند، از جمله آیه‌ی ۲ سوره‌ی مجادله؛ در عبارتی از آیت‌الله خویی می‌خوانیم: «فان الام هي المرأة التي تلد الولد كما هو مقتضى قوله تعالى: «الَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَابِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ» (خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۸۴). در این آیه، مادر به طور مطلق و به صیغه‌ی حصر به کسی اطلاق می‌شود که فرزند را زاییده باشد (رضانیا معلم، ۱۳۸۰، ص ۳۲۴). دو آیه‌ی دیگر نیز مستند این گروه است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَوَضَعَتْهُ كَرْهًا» (احقاف، ۱۵) و «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ» (لقمان، ۱۴). بنا به استدلال این گروه، مادر در قرآن کسی توصیف شده که حمل و زایمان می‌کند؛ بنابراین اگر زنی حمل نکند و زایید و مشقت‌های حمل را تحمل نکند، مادر نیست و نسب مادری هم تحقق نمی‌یابد.

فقهایی که معیار نسب مادری را ولادت یا عدم ولادت دانسته‌اند، ظاهراً به همین مبنا قائلند، از جمله صاحب جواهر (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۴۱، ص ۳۹۸). بعضی از فقها نیز چنین استدلال کرده‌اند: «نطفه‌ی زن صاحب تخمک، معد بوده برای زن صاحب رحم که این دومی، جزء اخیر علت تامه‌ی به دنیا آمدن بچه بوده است. پس اولاد ملحق به دومی یعنی زن صاحب رحم می‌شود» (اراکي، ۱۳۷۰، ص ۵۹۸). البته باید داده‌های علم پزشکی را نیز در نظر داشت که برای رحم نقشی بسیار فراتر از یک ظرف و

تغذیه برای جنین قائل است (صفیری و طاهرخانی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۵). از این نکته نیز نمی‌توان غافل بود که میان زنی که حمل را به عهده می‌گیرد (زن صاحب رحم اجاره‌ای) نسبت به طفلی که ماه‌ها در درون رحم او رشد کرده، وابستگی ایجاد می‌شود. اما به این نظر نیز اشکالاتی وارد است؛ از جمله اینکه آیات و روایات مورد استناد این نظریه، در مقام بیان معنای شرعی «ام» نیستند که معنای مادری را به همان مورد ذکر شده، منحصر کنند. داده‌های پزشکی مورد استناد طرفداران این نظریه نیز به گونه‌ای نیستند که داوری عرف را در تشکیل جنین از اسپرم مرد و تخمک زن، دگرگون کنند (صفیری و طاهرخانی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۸).

در نظریه‌ی (۳) برای پیدایش طفل، هر دو عامل با هم ملاک قرار گرفته است. بنابراین اگر تخمک از زنی باشد که مسئولیت حمل را به عهده نمی‌گیرد و حامل جنین، زن دیگری باشد، مجموع هر دو عامل انتساب فرزند به مادر، در هیچ‌یک از صاحب تخمک و صاحب رحم به تنهایی وجود ندارد و هیچ‌کدام مادر محسوب نمی‌شوند (ابوزید، بی‌تا، ص ۴۳۶). اما طرفداران نظریه‌ی (۴) معتقدند که هم صاحب تخمک و هم صاحب رحم، هر دو مادر تلقی می‌شوند. بنابر این نظر، اگر تخمک از آن یک زن و رحم متعلق به زن دیگری باشد، می‌توان هر دو را مادر طبیعی کودک دانست و نسب مادری برای آنان تحقق می‌یابد (مرقاتی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۷)؛ بنابراین بعضی از فقها نظریه‌ی دومادری را برگزیده‌اند (مرقاتی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۷). چون جنین رابطه‌ای «اعتباری» است و از لحاظ حقوقی نیز منعی ندارد، نسب مادری برای هر دو زن تحقق می‌یابد. البته در آیات و روایات، در مورد تحقق نسب مادری هم‌زمان برای دو زن مطلبی نمی‌توان یافت؛ اما به نظر بعضی از محققان، با جمع ادله‌ی نقلی بر الحاق به صاحب نطفه و ادله‌ی نقلی الحاق به صاحب رحم، می‌توان الحاق و تحقق نسب را به هر دو زن پذیرفت. علاوه بر اینکه عرف هم مانعی در پذیرش دومادری بودن طفل ندارد (قربان‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۳۶۹-۳۷۰). با این حال، این جمع بین آیات و روایات، مورد قبول گروه دیگری از محققان نیست (مرقاتی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۷).

## ۵. آثار نسب در صورت‌های مختلف تلقیح مصنوعی

در این بحث نیز سه نظریه‌ی کلی قابل طرح است: (الف) همه‌ی آثار، (ب) هیچ‌یک از آثار، (ج) قول به تفصیل. این سه نظریه با صورت‌های کلی سه‌گانه‌ی تکلیفی ملازمه ندارند؛ یعنی این‌گونه نیست که اگر صورتی از تلقیح مصنوعی جایز باشد، آنگاه لزوماً نسب با همه‌ی آثار پنج‌گانه‌اش تحقق یابد یا اگر صورتی از تلقیح مصنوعی منع شده باشد، هیچ‌یک از آثار پنج‌گانه‌ی نسب تحقق نیابد.

بنا به فرض (الف)، همه‌ی آثار پنج‌گانه‌ی نسب در طفل حاصل از نکاح شرعی از طریق آمیزش متعارف زن و شوهر، در همه‌ی انواع تلقیح مصنوعی وجود داشته باشد. ظاهراً هیچ‌یک از فقها به چنین نظریه‌ای قائل نیستند. براساس فرض (ب)، هیچ‌یک از آثار پنج‌گانه در تلقیح مصنوعی راه نمی‌یابد؛ ظاهراً هیچ‌یک از فقها به چنین نظریه‌ای نیز قائل نیستند، چراکه حتی در مورد طفل حاصل از زنا‌ی محصنه نیز حکم «حرمت نکاح» برقرار است. اگر نسب را به تحقق تک‌تک آثار مرتبط بدانیم، نه مجموع آنها، آنگاه در مورد طفل حاصل از زنا نیز حداقلی از آثار نسب (حرمت نکاح) تحقق می‌یابد. این همان قول به تفصیل و دقیق‌ترین فرض از میان فرض‌های سه‌گانه است؛ چراکه تحقق بعضی از آثار نسب، مثلاً حرمت نکاح، حتی به جواز تلقیح نیز وابسته نیست. همین نکته یکی از ادله‌ی کسانی محسوب می‌شود که عامل تعیین‌کننده‌ی نسب را نطفه و تخمک می‌دانند.

با این بیان، قول معروف و مشهور بین معاصران این است که اگر صاحب اسپرم، شوهر و صاحب تخمک، همسر او باشد (AIH)، طفل حاصل از تلقیح مصنوعی، به هر دو ملحق و فرزند آن دو محسوب می‌شود (توضیح‌المسائل مراجع، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۹۱۳). با این حال، بنا به نظر آن دسته از فقها که ثبوت نسب را تنها از راه آمیزش مشروع یا وطی به شبهه و مادر را صاحب رحم می‌دانند، فرزند تنها به مادر ملحق می‌شود و در نتیجه، چنین مولودی بدون پدر خواهد بود (حکیم، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۰۰).

همچنین در صورتی که نطفه از مرد اجنبی باشد (AID)، بنابر نظر گروهی از قائلان به حرمت، مولود حاصل از تلقیح داخل رحمی (IUI) از نظر نسب، محکوم به احکام صورت قبلی است، هرچند کار حرامی صورت گرفته است (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۲۷). ولی گروهی دیگر گفته‌اند: اگر این عمل به شبهه انجام شده باشد، احکام مولود متولدشده به وطی شبهه، بر این مولود بار می‌شود و در نتیجه، همه‌ی احکام فرزند ثابت است و در صورت آگاهی هر دو از حقیقت، در مسائل ارث، محرمیت و ازدواج، حکم رعایت احتیاط است (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۲۱-۶۲۲؛ گلیایگانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۷۶-۱۷۷). با این حال، برخی از فقها فتوا به عدم ثبوت نسب داده‌اند، اما در حرمت نکاح، چنین مولودی را در حکم فرزند دانسته‌اند. در نتیجه، مرد صاحب نطفه و نیز زن صاحب تخمک نمی‌توانند با آن مولود ازدواج کنند (توضیح المسائل مراجع، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۹۴۲). البته بنابر قول به جواز این عمل یا در موارد جواز آن، مولود - جز بنابر بعضی مبانی - به هر دو (زن و مرد) ملحق می‌شود.

در فرض ترکیب اسپرم و تخمک زن اجنبی در خارج رحم (IVF)، سپس انتقال آن به رحم مصنوعی، بعضی بر الحاق مولود به صاحب اسپرم و تخمک تصریح کرده‌اند (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۲۷؛ سیستانی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۴۲۷). فرض ترکیب اسپرم مرد اجنبی با تخمک زن اجنبی (AID) و سپس انتقال آن به رحم همسر آن مرد نیز همین حکم را دارد (منتظری، ۱۳۷۳، ص ۴۸۳؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۷۰-۷۱). البته بنابر این قول که مادر به کسی اطلاق می‌شود که حمل در رحم او صورت بگیرد، صاحب رحم، مادر به شمار می‌رود، نه صاحب تخمک (تبریزی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۷۰؛ ج ۲، ص ۵۴۹). اما بنابر قولی که صاحب تخمک را مادر می‌داند، نسبت به زن صاحب رحم، برخی در احکام مربوط به محرمیت و ازدواج احتیاط کرده‌اند (منتظری، ۱۳۷۳، ص ۴۸۳). این حکم در فرض ترکیب اسپرم شوهر و تخمک یکی از همسران وی و سپس انتقال به رحم همسر دیگر نیز جاری است (خامنه‌ای، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۷۱-۷۲).

## نتیجه‌گیری

بنا به آنچه گفته شد، احکام مربوط به وضعیت اطفال سه‌والدی بدین قرار خواهد بود:

### الف. حکم تکلیفی تلقیح مصنوعی در مورد اطفال سه‌والدی

صورت‌های مربوط به اطفال سه‌والدی چنان‌که اشاره شد، اقسام ۸، ۹، ۱۱ و ۱۲ بود. دو قسم ۸ و ۹ از نوع همولوگ (تلقیح مصنوعی زن با اسپرم شوهر) است، چون اسپرم بیگانه دخیل نیست. البته در اطفال سه‌والدی چنان‌که گفته شد، صاحب تخمک فرعی دخیل است، اما عامل نامحرمی نیست که مبنای منع از نظر بعضی از فقها است. با توجه به قول مشهور فقهای معاصر باید این دو قسم جایز شمرده شود، مگر آنکه نظر فقهای ملاک قرار گیرد که هیچ‌یک از اقسام تلقیح مصنوعی را جایز نمی‌دانند.

دو قسم ۱۱ و ۱۲ از نوع هترولوگ (تلقیح مصنوعی زن با اسپرم بیگانه) است. این دو قسم نیز به نظر بعضی از فقها همچون حضرات آیات خامنه‌ای و طباطبایی قبی جایز است، مگر آنکه مستلزم فعل حرامی همچون لمس نامحرم باشد. بنابراین در حکم تکلیفی تلقیح مصنوعی‌ای که در اطفال سه‌والدی به کار می‌رود، باید به رأی توجیه کنیم که فقها به تناسب همولوگ یا هترولوگ بودن در تلقیح خارج رحمی (IVF) دارند.

نظر برگزیده در اینجا، همان رأی به جواز است که ادله‌ی آن در نوشته‌های دیگری که در این باره در دسترس است، به تفصیل بررسی شده است.

### ب. حکم وضعی تلقیح مصنوعی در مورد اطفال سه‌والدی

در حکم وضعی اطفال سه‌والدی با سه طرف مواجه‌ایم: صاحب اسپرم، صاحب تخمک اصلی و صاحب تخمک فرعی. بر این اساس، با توجه به رأی برگزیده می‌توان به این نتایج رسید:

۱- احراز نسب پدری با همه‌ی آثار پنج‌گانه (توارث، نفقه، حضانت، ولایت و حرمت نکاح)، در صورتی که تلقیح با اسپرم شوهر زن صورت بگیرد؛

۲- احراز نسب پدری با حداقل آثار پنج‌گانه (حرمت نکاح)، در صورتی که تلقیح با اسپرم بیگانه صورت بگیرد؛

۳- احراز نسب مادری از جانب صاحب تخمک اصلی با همه‌ی آثار نسب مادری؛

۴- احراز نسب مادری از جانب صاحب تخمک فرعی با حداقل آثار نسب مادری (حرمت نکاح).

البته تلقیح مصنوعی در مورد اطفال سه‌والدی تاکنون از نوع همولوگ بوده است. بنابراین بخشی از این مباحث به مواردی مربوط می‌شود که ممکن است در آینده در این زمینه رخ دهد. متأسفانه در قوانین جمهوری اسلامی، در این زمینه تحقیق و بررسی و قانون‌گذاری نشده است و با توجه به تحولات سریعی که در زمینه‌ی تلقیح مصنوعی و انواع مختلف آن در حال رخ دادن است، لازم است در این زمینه قوانینی متناسب و با رویکرد به تحولات آتی، اندیشیده و وضع شود.

قرآن کریم.

۱. ابوزید، بکر بن عبدالله (۱۴۱۶ق). **طرق الانجاب فی الطب الحدیث و حکمها الشرعی**. بالمملکة العربیة السعودیة: موسسه الرساله.
۲. اراکی، محمدعلی (۱۳۷۰). **رساله توضیح المسائل**. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳. امامی، سیدحسن (۱۳۵۰). **حقوق مدنی**. تهران: انتشارات اسلامیة، چاپ سوم، ج ۵.
۴. بجنوردی، سیدحسن (۱۴۱۹ق). **القواعد الفقہیة**. قم: انتشارات الهادی، ج ۴.
۵. تبریزی، جواد (۱۳۸۵). **صراه النجاه فی اجوبه الاستفتائات**. قم: دار الصدیقه الشهیده، ج ۲-۳.
۶. **توضیح المسائل مراجع مطابق با فتاوی سیزده نفر از مراجع معظم تقلید**. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵، چاپ دوازدهم، ج ۲.
۷. جعفرزاده، میرقاسم (۱۳۷۵). **وضعیت شرعی به کارگیری تکنیک‌های نوین باروری کمکی در تولیدمثل انسانی**. پزشکی باروری و ناباروری، شماره ۱، ص ۵۶.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۵). **ترمینولوژی حقوق**. تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ شانزدهم.
۹. حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۴ق). **وسائل الشیعه**. بیروت: آل‌البتیت (ع) لاحیاء التراث، الطبعة الثانية، ج ۲۸.
۱۰. حسینی زبیدی، سید محمدمرتضی (۱۳۸۷). **تاج العروس من جواهر القاموس**. تحقیق عبدالحلیم طحاوی، بی‌جا: مؤسسه دار الهدایه، ج ۷.
۱۱. حکیم طباطبایی، سیدمحسن (۱۴۱۰ق). **منهاج الصالحین**. بیروت: التعارف للمطبوعات، ج ۲.
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳). **رساله اجوبه الاستفتائات**. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، چاپ هفتم، ج ۲.
۱۳. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۰). **تحریر الوسیله**. نجف: مطبعة الآداب، الطبعة الثانية، ج ۲.
۱۴. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰ق). **منهاج الصالحین**. قم: انتشارات مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم، ج ۱-۲.
۱۵. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۲۱ق). **المسائل الشرعیة، استفتائات المعاملات**. قم: احیاء آثار امام خویی، چاپ چهارم، ج ۲.
۱۶. رضایا معلم، رضا (۱۳۸۰). **باروری‌های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق**. قم: موسسه نشراسلامی.
۱۷. روحانی، سیدمحمدصادق (۱۴۱۴ق). **المسائل المستحدثه**. قم: دار‌الکتاب، چاپ چهارم.
۱۸. سند، محمد (۱۳۸۱). **فقه الطب و التضخم النقدي**. قم: انتشارات دارالهدی.
۱۹. سیستانی، سیدعلی حسینی (۱۴۳۰ق). **منهاج الصالحین**. بغداد: دار‌البذر، ج ۱.
۲۰. شهیدی، مهدی (۱۳۷۵). **مجموعه مقالات حقوقی**. تهران: انتشارات حقوق‌دان.
۲۱. صفار، محمدجواد (۱۳۸۳). **قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور در بوتۀ نقد و تحلیل**. تحقیقات حقوقی، شماره ۳۹.
۲۲. صفایی، سیدحسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۷۴). **حقوق خانواده**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲.
۲۳. صفایی، سیدحسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۷۶). **مختصر حقوق خانواده**. تهران: انتشارات دادگستر.

۲۴. صفیری، اکرم؛ طاهرخانی، فاطمه (۱۳۸۸). نسب مادری کودک تولدیافته از اهدای جنین در حقوق ایران. *مجله حقوقی* /دگستری، سال ۷۳، شماره ۱۶۸، ص ۱۳۷-۱۵۷.
۲۵. طاهرخانی، فاطمه (۱۳۸۹). نسب پدری کودک تولدیافته از اهدای جنین در فقه و حقوق ایران. *فقه پزشکی*، دوره ۲، شماره ۳-۴، ص ۱۳۵-۱۶۵.
۲۶. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق). *مجمع البحرين*. تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ سوم، ج ۲.
۲۷. عمید، حسن (۱۳۸۴). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیرکبیر، چاپ دهم، دوره سه جلدی.
۲۸. فخرز، میررحیم و همکاران (۱۳۸۷). ژنوم میتوکندی ابزاری موثر در تعیین هویت. *پزشکی قانونی*، شماره ۵۱، ص ۱۶۶.
۲۹. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۲). *حکم تکلیفی و وضعی انتقال جنین تکون یافته از اسپرم و تخمک زن و شوهر قانونی به رحم زن دیگر*. در: مجموعه مقالات روش‌های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق. تهران: انتشارات سمت، چاپ ۲.
۳۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). *حقوق مدنی - خانواده: اولاد*. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ ششم، ج ۲.
۳۱. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۷). *بررسی تطبیقی حقوق خانواده*. تهران: دانشگاه تهران.
۳۲. گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۰۹ق). *مجمع المسائل*، قم: انتشارات دار القرآن الکریم، چاپ دوم، ج ۲.
۳۳. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۷۵). *میزگرد مسائل فقهی و حقوقی انتقال جنین*. تهران: بولتن تولید مثل و نازایی پژوهشکده بیولوژی و بیوتکنولوژی و نازایی جهاد دانشگاهی.
۳۴. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۶). *بررسی فقهی حقوق خانواده*. تهران: نشر علوم اسلامی، چاپ شانزدهم.
۳۵. مرقاتی، سیدطه (۱۳۸۴). *حقوق کودکان در اهدای گامت*. در: مجموعه مقالات اهدای گامت و جنین در درمان ناباروری. تهران: انتشارات سمت.
۳۶. معلوف، لوئیس (۱۹۷۳م). *المنجد فی اللغة و الاعلام*. بیروت: دارالمشرق.
۳۷. مغنیه، محمدجواد (۱۹۶۰م). *الفقه علی المذاهب الخمسه*. بیروت: دارالعلم للملایین، الطبعة السادسة.
۳۸. منتظری، حسینعلی (۱۳۷۳). *رسالة توضیح المسائل مطابق با اصطلاحات جدید*. قم: نشر تفکر، چاپ هشتم.
۳۹. مهرپور، حسین (۱۳۷۶). *نگرشی به وضعیت حقوقی و شرعی باروری مصنوعی. تحقیقات حقوقی*، دوره ۱، شماره ۱۲۲، ص ۱۸۵-۱۸۴.
۴۰. میرهاشمی، سرور (۱۳۸۳). *تلقیح مصنوعی در اندیشه فقهی - حقوقی و موافقان و مخالفان آن. فقه و حقوق خانواده*، شماره ۳۵، ص ۹۸-۶۴.
۴۱. نجفی، محمدحسن (۱۹۸۱م). *جواهر الکلام*. تعلیق و تصحیح محمود قوچانی. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ج ۱۰، ۲۹، ۴۱.
۴۲. Falco, Miriam (۲۰۱۲). **5 million babies born so far, thanks to IVF**. CNN Medical Managing Editor. Available in: <http://thechart.blogs.cnn.com/2012/07/02/5-million-babies-born-so-far-thanks-to-ivf/>
۴۳. Liao, S. Matthew (۲۰۱۷). Do Mitochondrial Replacement Techniques Affect Qualitative or Numerical Identity? *Bioethics*, Vol. ۳۱, No. ۱, P ۲۰.
۴۴. Ravitsky, Vardit; Stanislav Birko & Raphaelle Dupras-Leduc (۲۰۱۵). The “Three-Parent Baby”: A Case Study of How Language Frames the Ethical Debate Regarding an Emerging Technology. *The American Journal of Bioethics*, ۱۵(۱۲), P ۵۷-۶۰.